

تاریخ شعر - نوپردازی - نقد شعر و سخن سنجی

در هیچیک از ادوار ادبی ایران به اندازه این دوره میان طرفداران سبک قدیم و جدید یا بقول امروزی‌ها کهنه پردازان و نوسرایان اختلاف اینقدر زیاد و شکاف نا این حد عمیق نبوده است. و تقریباً هفته‌ای نیست که شمه‌ای از حملات متقابل این دو دسته به یکدیگر در روزنامه یا مجله‌ای منعکس نشده باشد.

در چنین دوره‌ای انتشار کتاب «نوپردازی» بسیار بجا و بهنگام است. این کتاب که آقای مجید یکتائی ادیب سخنور و سخن شناس نوشته‌اند اگرچه درشت‌ترین عنوان روی جلدش «نوپردازی» است عناوین دیگری هم دارد از قبیل «تاریخ شعر» و «نقد شعر و سخن سنجی و علت انتخاب این دوسه عنوان هم آنست که کتاب فقط راجع به نوپردازی نیست. و حاوی تاریخچه شعر از دیرزمان تا امروز و همچنین بحث راجع به چگونگی شعر است.

کسانی که اهل تحقیق و تتبع هستند نخستین نکته‌ای که از مطالعه این کتاب در می‌یابند این است که نوشتن چنین کتابی کار یک هفته و دو هفته یک ماه و دو ماه نیست و نویسندۀ آن باید سالها وقت صرف تحقیق و تفحص در باره موضوعات مختلف کتاب کرده باشد.

هنر چیست؟ ادب و ادبیات کدام است؟ شعر چیست؟ سخنور و سخن سنج کیست؟ شعر و نثر باهم چه تفاوتی دارند یا نباید داشته باشند؟ شعر خوب کدام است؟ اینها یک قسمت از مسائلی است که در کتاب مطرح گردیده و در حلاجی این مسائل از عقائد و آراء ادباء و دانشمندان گذشته و امروزی شرق و غرب استفاده شده است. نویسندۀ آنها به جمع‌آوری و نقل سخنان دیگران اکتفا نکرده و خود نیز در

باره هر موضوعی بیطرفانه قضاوت نموده و عقیده خود را اظهار کرده است.

در گفتار چهارم تحت عنوان «چگونگی سخنوری» مینویسد:

«شعر در هر زمان باید ساده و رسا و دلچسب و سازگار با مقتضای حال باشد و اساس بلاغت همین است نه پیروی از احساس شاعرانی که در زمان جاهلی درباره شعر و دمنه شعر گفته‌اند با تکلف و تصنع و فضل فروشی. وقتی چنین شد نه آنکه شعر از بلاغت و فصاحت واقعی دور میشود بلکه از زبان مردم نیز بدور میافتد. بسیار کسان هستند که دارای ذوق طبیعی سلیم برای شعر و شاعری هستند. اما بهنگامیکه در دبیرستانها و دانشکده ادبیات به آموختن عروض و علم و قافیه و بدیع میردازند توجهشان به صنایع لفظی و نمونه‌های شعر مصنوع مانند گفته‌های خاقانی ورشید و طواط و ادیب صابر یا مشکلات و دشواریهای دیوان شاعرانی دیگر یا کتابهای مرزبان نامه و کلیله و دمنه و تاریخ جهانگشای جوینی و مانند آن معطوف گشته و ذوق و گفتار آنان از سادگی و زبان احساس و حال دور میشود.

اینست که غالباً «دیده میشود که شعر و گفتار مردمی که بدانشکده ادبیات راه نداشته‌اند در سادگی و دلنشینی بر آنان که بدینگونه تحصیل عروضی و بدیع و قافیه نموده‌اند برتری دارد.»

این کتاب گذشته از تعریف جامع و کاملی که برای شعر کرده چگونگی سیر تکامل شعر را نیز در کشورهای عربی و ایران و همچنین در کشورهای اروپائی به اختصار بیان میکند. در عین حال یک دوره تاریخ ادبیات فارسی شمرده میشود. مثلاً در گفتار پنجم تحت عنوان «بازگشت ادبی و شعر دوران مشروطیت» مینویسد:

جنبش مشروطیت تحولی بود که در آغاز قرن بیستم در شئون زندگانی ملی و سیاسی ایران پدید آمد.

آشنائی با تمدن نوین اروپایی و احساس بازماندگی از کاروان تمدن موجب

توجه بغرب گردید و يك بيداری و انتباه. ازین عقب افتادگی مردم وطنخواه بهمه چیز بدبین شدند تا آنجا که گروهی ادبیات پیشرفته و کهن ایرانرا نیز يك عامل این بازماندگی دانستند.

يك عامل اساسی این تحول در شعر و نویسندگی آشکار شد. اگرچه این جنبش در آغاز انقلابی پیش‌رس بود اما با پیدایش و اشاعه چاپ و مطبوعات و آشنائی با فرهنگ اروپائی سالهای بعد بشمر رسید.

هنگامیکه بر اثر لفظ بردازی و تقلید و مضمون سازی شعر رو با انحطاط میرفت در زمان مشروطیت شعر فارسی در زمینه‌های تازه سیاسی و وطنی و اجتماعی و انتقادی وارد گشت و با سخنان شاعرانی چون ادیب‌الممالک فراهانی (امیری) و فرخی یزدی شعر در زمینه‌های سیاسی و انتقادی راه یافت غزل‌ها و تصنیف‌های ملی عارف و سخنان سیاسی و وطنی عشقی تحولی در نوآوری پدید آورد. ایرج مضامین تازه‌ای بروانی و سادگی بنظم آورد. اشرف‌الدین حسینی به دنبال فرخی و عشقی انتقادهای سیاسی را بزبان مردم بنظم آورد، پروین اعتصامی مضامین تازه‌ای در قالب کهن بیان داشت یحیی دولت‌آبادی، و دهخدا، و وحید دستگردی و بهار به شیوه متقدمان مضامین سیاسی و ملی ساخته و برخی شاعران چون وثوق مضامین تازه در قالب کهن آورده‌اند.

شعر معاصر

پس از مشروطیت شعر معاصر در دو جهت گام برداشت راهی در جهت میراث کهن و ساختمان و قالبی که پس از قرن‌ها فرا راه عالم و عامی نهاده شده که حتی مردم بیسواد میتوانند شعر را از نثر تمیز دهند، یا با ذوق و استعداد فطری شعر بگویند. راه دیگر راهی است که به پیروی از شعر اروپائی و عرب شعر آزاد یا شعر نو گفته‌اند. اکنون در جهت نخست شاعرانی که در این راه از غزل سراوقصیده ساز و مثنوی

گوی گام بر میدارند گذشته از عبرت، یاسمی، سرمد، افسر، رهی، مسرور، نظام وفا، دکتر صورتگر، علی اشتری، فرات، سمینا که حیات ندارند از شاعران معاصر: ناصح، سنا (همائی)، الهی، پثرمان، فرخ، گلچین معانی، امیربختیار، ورزی، شهریار، دکتر مظاهر مصفا، وحیدزاده (نسیم)، دکتر رعدی، دکتر صدارت (نسیم)، دکتر خانلری، امیری فیروز کوهی، دکتر حمیدی، حالت، کاسمی، سهیلی، صهبا، نجاتی، ریاضی، پارسا تویسرکانی، رجوی، سامانی، ناعم، زکائی بیضائی، کمال زین الدین، و باستانی پاریزی را میتوان نام برد. توللی در راه دیگری گام برداشت و محمد پرستش نیز مضامین تازه‌ای آورده است و من مفاهیم قصیده و غزل و مضامین نورا در شیوه و قالب سرایه (همانند مثنوی) ریخته‌ام و این کشتی است سوی مضامین تازه و نوآوری و تساهلی در سختگیریهای عروضی و قافیه.»

روش پسندیده‌ای که در تألیف این کتاب اتخاذ شد بیطرفی و تبری از هر گونه حب و بغض و تعصب بیجاست. نویسنده کتاب در باره شعر قدیم یا شعر سنتی و شعر امروز یا شعر نو عقاید دیگران و همچنین عقیده خود را آزادانه بیان کرده و گفتنی‌ها را بی پرده گفته است.

مثلاً راجع به شعر آزاد مینویسد:

«در میان شعرهای آزاد شعرهایی هست که دارای اندیشه‌های زیبا و استعارات دلنشین است اما از نظر لفظ و معنی غالباً سست و ناتوان بوده و گرچه از نظر وزن دارای وزنی باشند که با واحد شعر سنتی فارسی که مصراع است سازگار نباشد باز اگر از نظر لفظ و معنی شایسته باشد بسیار خوب در زمینه هنر و ادب شایان توجه است و میتوان آن گفته‌ها را در ردیف شعر پذیرفت.»

و در گفتار سوم «بختی راجع به شعر نیمه‌بوشیخ کرده و در پایان مینویسد:

« دستهای وزن و قافیه را رعایت نکرده و از هر قید و بندی خود را آزاد ساخته اند میتوان شعر این دسته را شعر آشفته نامید یا یک قطعه ادبی که گاهی مانند ترجمه شعر است .

گروه دیگر تا اندازه ای وزن و قافیه را رعایت میکنند اما نه بر اصول بحر - و عروض سنتی .

نیما یوشیج میخواست شعر را از خدمت موسیقی نیز آزاد کند و وزن را بشکند در صورتیکه بعقیده من رودکی و فرخی و حافظ که شعر فارسی را با موسیقی درآمیختند آنرا بکمال رسانیدند . پیروان نیما که شعر آزاد گفته اند: منوچهر یکتائی ، فروغ - فرخزاد، فریدون مشیری ، اخوان ثالث ، کسرائی، نادرپور، شاملو (بامداد) ابتهاج (سایه)، دکتر رضا براهنی، سیمین بهبهانی، لعبت والا، بامداد و منیرطه و مانند آنان هستند . »

و بهمان اندازه که بعضی محسنات شعر امروزی را نادیده نگرفته ، تعصبات کسانی را هم که انتظار دارند امروز نیز بزبان فردوسی و ناصر خسرو شعر بگوئیم بدین نحو انتقاد میکند:

«سختگیری ادیب منشان و استادان سنت پرست که میکوشند لفظهای نودر شعر بکار برده نشود یا اگر کسی لفظی در شعر آورده که متقدمان بکار نبرده باشند آنرا سخیف و غیر ادبی دانند موجب رکود شعر و کندی زبان شعر و شاعری میگردد . رنگهای معنی در لفظهای بسیار پیدا میشود و شاعر باید بتواند تأثرات و منویات درونی خویش را با هر سخنی که زیبا و رسا و برازنده باشد بر زبان آورد اگر چه این بیان بشیوه ای تازه باشد تاخریداران کالای ادب بیشتر بر سخنوی بجوشند چنانکه کلیم گفته :

گر متاع سخن امروز کساد است کلیم

تازه کن طرز که در چشم خریدار آید

با توجه بسخنان شاعران بزرگ نیز دیده میشود که گفتار و سخنان آنان همه

یکسان نیست و واژه‌ها یکدست و دست چین نباشد. و بگفته صائب :

گر سخن اعجاز باشد بی بلند و پست نیست

درید بیضا همه انکشت‌ها یکدست نیست .

ناگفته نماند که این کتاب نقائصی نیز دارد مثلاً آنجا که صحبت از مضامین

تازه « محمد پرستش » می‌کند یا می‌گوید : « من مفاهیم نورا در شیوه و قالب سرایه

(همانند مثنوی) ریخته‌ام . »

جا داشت چند قطعه‌ای نیز بعنوان نمونه نقل میشد که خوانندگان بتوانند

داوری نمایند .

اشتباهاتی نیز بقلم ایشان گذشته مثلاً سیمین بهبهانی جزء پیروان نیماشمرده

شده ولی تا آنجا که من میدانم او هرگز پیرو نیما نبوده و شعر آزاد هم نسروده است .

البته در جنب مزایای عمده‌ای که کتاب دارد، این لغزش‌ها جزئی است و امیدوارم

آقای یکتائی ضمن تجدید نظری که در چاپ بعدی این کتاب می‌کنند آنها را اصلاح

نمایند چون یقین دارم چنین کتاب سودمندی زود فروش خواهد رفت و احتیاج به

تجدید چاپ خواهد داشت .

لاتین‌های باستانی مانند سایر ممالک چون هند، و ایران و یونان

در شبه جزیره ایتالیا نیز قبل از هجوم آریانیان در اوائل هزاره دوم

قبل از میلاد مردمی ساکن بوده‌اند که در عالم خود تمدن و فرهنگ داشته

(تاریخ ادیان)

و صاحب معتقدات دینی خاصی بوده‌اند .